



کتاب الفقه



سلام



حضرت « مهدی » در قرآن:

جلسه شانزدهم — خرداد ماه ۱۳۹۹

A photograph of a window with light-colored sheer curtains. The window is divided into several panes. Outside the window, there are lush green trees and foliage. On the windowsill, there are several potted plants with bright red flowers. A teal banner with white text is overlaid on the bottom left of the image.

« نكتة » هفتم:

ویژگی‌های آن « **عبد صالح** »
چه بود؟

آتَيْنَاهُ رَحْمَةً مِنْ عِنْدِنَا

و

فَوَجَدَا عَبْدًا مِنْ عِبَادِنَا

عَلَّمْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا عِلْمًا

(کهف/۶۵)

پس بنده‌ای از بندگان ما را یافتند که:

از جانب خود به او رحمتی عطا کرده و از نزد خود به او دانشی آموخته بودیم

فرقِ « اُتی و عطا » چیست؟

« اُتَى »:

« دادنی تدریجی متناسب با « قابلیتِ گیرنده » است.
چهارمین ریشه پر کاربرد در قرآن است (۵۱۵ مورد): يُؤْتِي الْحِكْمَةَ مَنْ يَشَاءُ.

اما « عَطَا »:

« واگذاری چیزی خیلی خاص مناسب با « دهنده » است:
قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَى كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ثُمَّ هَدَى * إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ.

١- رَحْمَهُ مِنْ «عِنْدَنَا»

٢- عَلَّمْنَاهُ مِنْ «لَدُنَّا»

با اینکه «**عِنْدَ**» و «**لَدُنْ**»،

هر دو «**نزد**» ترجمه می‌شوند،

اما با هم فرق دارند.

«**عِنْدَ**»، مقامِ بقاء و جایگاهِ خیر نزد خداوند،

⁴¹برای: شهداء و ابرار و مؤمنین متوکل است:

... وَ الشُّهَدَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَ نُورُهُمْ ... (حديد/١٩)

... وَ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ لِلْأَبْرَارِ (أل عمران/١٩٨)

... وَ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَ أَبْقَى أَ فَلَا تَعْقِلُونَ (قصص/٦٠)

... مَا تَقَدَّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرٌ وَ أَكْثَرُ أَجْراً (مزمّل/٢٠)

... مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَ أَبْقَى لِلَّذِينَ آمَنُوا وَ عَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ (شورى/٣٦)

... فَابْتَغُوا عِنْدَ اللَّهِ الرِّزْقَ وَ اعْبُدُوهُ وَ اشْكُرُوا لَهُ ... (عنكبوت/١٧)

اما مقامِ «**لَدُنْ**»، «**خصوصیاتی**» دارد که

مقامِ «**عند**»، فاقدِ آن ویژگی هاست

و افرادِ «**اندکی**» به آنجا می‌رسند

زیرا مقامِ **تَقَرُّبٌ** و جایگاهِ **صدق** است برای:

«**إِلْقَاءِ قرآن**» و «**علم و ذکر خاص**»:

وَإِنَّكَ لَتَتْلَى الْقُرْآنَ مِنْ **لَدُنْ** حَكِيمٍ عَلِيمٍ (نمل/٦)

هُنَالِكَ دَعَا زَكَرِيَّا رَبَّهُ قَالَ رَبِّ هَبْ لِي مِنْ **لَدُنْكَ** ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً ... (آل عمران/٣٨)

... وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ **لَدُنْكَ** نَصِيرًا (نساء/٧٥)

وَ قُلْ: رَبِّ اَدْخِلْنِيْ مُدْخَلَ صِدْقٍ وَاَخْرِجْنِيْ مُخْرَجَ صِدْقٍ وَاجْعَلْ لِيْ مِنْ **لَدُنْكَ** سُلْطٰنًا نَّصِيْرًا (إسراء/٨٠)

إِذْ أَوَى الْفِتْيَةُ إِلَى الْكَهْفِ فَقَالُوا رَبَّنَا آتِنَا مِنْ **لَدُنْكَ** رَحْمَةً ... (كهف/١٠)

كَذٰلِكَ نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ اَنْبَاءٍ مَا قَدْ سَبَقَ وَ قَدْ اَتَيْنَاكَ مِنْ **لَدُنَّا** ذِكْرًا (طه/٩٩)

فَوَجَدَا عَبْدًا مِّنْ عِبَادِنَا آتَيْنَاهُ رَحْمَةً مِّنْ عِنْدِنَا **عَلَمْنَاهُ** مِنْ **لَدُنَّا** عِلْمًا (كهف/٦٥)

دو آیه زیر فرقِ «عِنْدَ» و «لَدُنْ» روشن تر می کند:

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فِي رَوْضَاتِ الْجَنَّاتِ

لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ (شوری/۲۲)

مَنْ خَشِيَ الرَّحْمَنَ بِالْغَيْبِ وَجَاءَ بِقَلْبٍ مُنِيبٍ (۳۳) ادْخُلُوهَا بِسَلَامٍ

ذَلِكَ يَوْمُ الْخُلُودِ (۳۴) لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ فِيهَا وَلَدَيْنَا مَزِيدٌ (ق/۳۵)

از مقایسهٔ این دو آیه به این نتیجه می‌رسیم که
مقامِ «**لَدُنِّي**» فوقِ مقامِ «**عِنْدِي**» است،
و چیزهایی در مقامِ «**لَدُنِّي**» یافت می‌شود که:
اولاً: در مقامِ «**عِنْدِي**» هرگز یافت نمی‌شود،
ثانیاً: هر چیزی در مقامِ لدُنِّي، «**بِی نقص**» است.

پس آن « عبد صالح »

برای « انجام مأموریت‌هایش »،

هم از « **رحمتِ عِنْدِ الهی** » برخوردار بود،

و هم برای « تشخیصِ تکالیفش در شرائط خاص »،

به « **علمِ نَدی الهی** » مجهّز و از هر چیزی مطلع بود.

اقسام « رحمت » کدامند؟

از منظر قرآن، خداوند « پنج نوع رحمت » دارد:

۱- « **رحمتِ رحمانیه** »: رحمت عام برای تمام مخلوقات بدون استثناء.

۲- « **رحمتِ رحیمیه** »: رحمت خاص برای « مؤمنین به خدا و رسول ».

۳- « **رحمتِ عِنْدَ الهی** »: رحمتی برای مأموریت‌های ویژه (هود/۲۸ - انبیاء/۸۴).

۴- « **رحمتِ لدی الهی** »: رحمتی برای شرائط ویژه (کهف/۱۰ - آل عمران/۸).

۵- « **رحمتِ روح الهی** »: رحمتِ نوری برای امور استثنایی (شوری/۵۲ - نحل/۱۰۲).

ادامہ « آیات » :

قَالَ لَهُ مُوسَى: هَلْ أَتَّبِعُكَ

عَلَى أَنْ تُعَلِّمَنِي مِمَّا عُلِّمْتَ **رُشْدًا** (٦٦)

موسی به او گفت آیا می‌شود تو را پیروی کنم

تا از آنچه برای رشد آموخته شده‌ای به من بیاموزی؟

معلوم می‌شود که حضرت مُوسیٰ علیه السلام،
برای مدیریتِ بنی‌اسرائیلِ سرگردان شده،
به علم و تجربه در زمینه «**رُشد**» جامعه،
احساس نیاز می‌کرده است.

پک « درس » مهم:

قَالَ لَهُ مُوسَى:

هَلْ أَتَّبِعُكَ عَلَى أَنْ تُعَلِّمَنِ مِمَّا عُلِّمْتَ رُشْدًا (٦٦)

پس شرطِ «تَعَلِّمُ»، «تَبْعِيَّت» است.

قال: إِنَّكَ لَن تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا (٦٧)

وَ كَيْفَ تَصْبِرُ عَلَى

مَا لَمْ تُحِطْ بِهِ خُبْرًا (٦٨)

گفت تو هرگز نمی توانی با من صبر کنی

و چگونه صبر می کنی بر چیزی که به آن احاطه نداری؟

نکته « مهم :

از این پاسخ حضرتِ «**خضر**»،

معلوم می‌شود که ایشان، در اوج علمی بوده (و هست)

بر تمامِ «**علوم ظاهری و غیبی**»

تسلّط و «**إحاطه**» کامل داشته (و دارد)

و²⁷ می‌دانسته که آنحضرت طاقت کارهای او را ندارد.

فرقِ أنبياءِ با حضرتِ «**خضر**» :

و تَفَقَّدَ الطَّيْرَ

فَقَالَ مَا لِي لَا أُرَى الْهُدُودَ أَمْ كَانَ مِنَ الْغَائِبِينَ (٢٠)

لَأُعَذِّبَنَّهُ عَذَابًا شَدِيدًا

أَوْ لَأَذْبَحَنَّهُ أَوْ لَيَأْتِيَنِي بِسُلْطَانٍ مُبِينٍ (نمل/ ٢١)

پس (حضرت سلیمان) جویایِ (حال) پرندگان شد و گفت مرا چه شده که هدهد را نمی بینم یا او از غایبان است؟ *
قطعا او را با « تنبیهی سخت » مجازات می کنم یا سرش را می برم مگر آنکه دلیلی منطقی برای من بیاورد.

فَمَكَثَ غَيْرَ بَعِيدٍ فَقَالَ:

أَحَاطْتُ بِمَا لَمْ تَحِيطْ بِهِ

وَ جِئْتُكَ مِنْ سَبَإٍ بِنَبَإٍ يَقِينٍ (نمل / ۲۲)

پس دیری نپایید که (هدهد آمد و) گفت: از چیزی آگاه شدم که
از آن^{۳۰} آگاهی نیافته‌ای و برایت از سبأ، گزارشی موثق آورده‌ام.

پس به نظر می‌رسد:

«پیامبران» با اینکه «معصوم» هستند اما

دسترسی به «تمام مسائل» جهان را ندارند.

اما «رسولانی» مانند حضرت «خضر»،

از «إحاطه علمی» برخوردار هستند.

« سؤال »:



علم « غیب » برای کیست؟

تمامِ « **علمِ غیب** »،

مخصوص و مختصّ خودِ خداوند است:

إِنَّ اللَّهَ عَالِمُ غَيْبِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ

إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ (فاطر/۳۸)

(فقط) خدا^{۳۴} (ست که) غیبِ آسمانها و زمین را می‌داند و (فقط) اوست که به راز دلها داناست.

اما اگر خداوند «**رسولی**» را

برای «انجام کار و رسالت خاصی» مأمور کند،

و از او «**راضی**» باشد،

«**غیب**» را برایش «روشن و واضح» می‌کند:

عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَى غَيْبِهِ أَحَدًا (۲۶)

إِلَّا مَن ارْتَضَىٰ مِن رَّسُولٍ

فَإِنَّهُ يَسْلُكُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَ مِنْ خَلْفِهِ رَصَدًا (۲۷) لِيَعْلَمَ أَن قَدْ **أُبْلَغُوا**

رِسَالَاتِ رَبِّهِمْ وَ أَحَاطَ بِمَا لَدَىٰ **هِمْ** وَ أَحْصَىٰ كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا (جن/۲۸)

اوست دانای غیب و دیگران را بر غیش آگاه نمی کند * مگر سفیری را که از او راضی است که برایش از روبرو و پشت سرش، نگهبانانی را به خط می کند تا بداند که پیامهای خدایش را رسانیده‌اند و (خدا) بدانچه نزد آنان است احاطه دارد و عدد هر چیزی را شماره کرده است.

پس خصوصیات عبد صالح عبارتند از:

۱- رحمه من « **عندنا** » ۲- عَلَّمَنَاهُ مِنْ « **لَدُنَا** »

۳- مورد « **رضایت** » و وثوق خدا بودن.

۴- کلیددار و مَحْرَمِ عالم « **غیب** » بودن.

پس این « **رسول** » مورد رضایت خداوند،

و « مَحْرَمِ عَالَمِ غِیْبِ »،

« **جلوهای** » از آن « **رسولان** » ویژه است:

فَوَجَدَا عَبْدًا مِّنْ **عِبَادِنَا** (کهف/۶۵)

لِيَعْلَمَ أَنَّ قَدْ **أَبْلَغُوا رِسَالَاتِ رَبِّهِمْ** وَ أَحَاطَ بِمَا لَدَى **هِم** ... (جن/۲۸)

« **عظمت** » وجودی آنان چقدر است؟

عظمتِ جایگاهِ این « **رسول** »

یا « **رسولان** » موردِ رضایت الهی را

در این « **دعای** ماه **رجب** »،

می‌توانیم ببینیم:

اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْأَلُكَ بِمَعَانِیْ جَمِیْعٍ مَا یَدْعُوکَ بِهِ **وَلَاةٌ اَمْرٌ** کَ
اَلْمَأْمُوْنُوْنَ عَلٰی سِرِّکَ، اَلْمُسْتَبْشِرُوْنَ بِاَمْرِکَ، اَلْوَاصِفُوْنَ لِقُدْرَتِکَ، اَلْمُعْلِنُوْنَ لِعَظَمَتِکَ،
اَسْأَلُکَ بِمَا نَطَقَ فِیْهِمْ مِنْ مَّشِیَّتِکَ فَجَعَلَتْهُمْ مَعَادِنَ لِكَلِمَاتِکَ وَ اَرْکَانًا لِتَوْحِیدِکَ
وَ اَیَاتِکَ وَ مَقَامَاتِکَ الَّتِیْ لَا تَعْطِیْلَ لَهَا فِیْ کُلِّ مَکَانٍ یَعْرِفُکَ بِهَا مَنْ عَرَفَکَ،

خدایا، از تو می‌خواهم به معانی تمام دعا‌هایی که **متولیان امر تو**، تو را با آنها می‌خوانند، آنان
که امین راز تو‌اند و به امر تو شادند و معرفّ اِقتدارِ تو و آشکارکننده بزرگی تو‌اند از تو می‌خواهم
به حق آنچه از مشیت تو دربارهٔ آنان گفته شد که آنان را معادن کلمات و ارکان توحید و آیات
تو و مقامات⁴¹ قرار دادی که تعطیلی برای آنها نیست، تو را با آنان شناسد هر که تو را بشناسد،

أَنَا فَرَقَ بَيْنَكَ وَبَيْنَهَا

إِنَّمَا أَنَّهُمْ عِبَادُكَ وَخَلْقُكَ ...

که بین تو و آنان، «هیچ فرقی» نیست
جز اینکه آنان بندگان و آفریده تو هستند ...

این چه « مقامی » است؟

این « بهترین خلق خدا »،

از « مقامِ معیّت » برخوردارند:

« علیُّ معُ الحقِّ و الحقُّ معُ علیُّ »

نکته « مهم :

قَالَ سَتَجِدُنِي إِن شَاءَ اللَّهُ صَابِرًا

وَلَا أَغْصِي لَكَ أَمْرًا (٦٩)

گفت ان شاء الله مرا شکایا خواهی یافت

و در هیچ کاری تو را نافرمانی نخواهم کرد. پس:

۱- لازمۀ «تَعَلُّمٌ»، «صَبْرٌ» است.

۲- اگر «مُتَعَلِّمٌ»، «صَبُورٌ» نباشد

علیه «أَمْرٌ»، «عَصِيَانٌ» می کند.

لازمه « صبر » چیست؟



خدایا:

« **فهمِ ظرائفِ قرآن** » را به ما عطا فرما

و ما را از غفلت و جهالت و خودخواهی حفظ کن

تا در زمینه‌سازی ظهورِ آخرین حجت سیهیم

و در رکابش افتخار حضور داشته باشیم.

اللَّهُمَّ صَلِّ وَسَلِّمْ عَلَى رَسُوْلِكَ

